

صورت‌بندی مواجهه حوزه با پاندمی کرونا



محسن جبارزاده*

درآمد

اپیدمی کرونا که هم‌اکنون صورتی پاندمیک و جهانی به خود گرفته است، هم‌اینک که این سطور نگارش می‌شود، با سرعتی خیره‌کننده در حال گسترش در سطح جهان است. این پدیده که هنوز بسیاری از ابعاد آن ناشناخته است، علاوه بر تأثیراتی که در حوزه‌های متعدد مادی اعم از اقتصاد، معیشت، سلامت و ... برجای گذاشته است، ساحت اندیشه و دانش‌های بشری و الهی را نیز از امواج سهمگین خود، متأثر کرده به گونه‌ای که از زمان فراگیر شدن، اکثر اندیشمندان، عالمان و دین‌پژوهان را به واکنش واداشته است. در حقیقت کرونا، هر دو ساحت عمل و اندیشه را به نحوی تحت تأثیر تکانه‌های خود قرار داده است.

داشته باشد. گرچه البته در برخی جاها، مختصر تحلیلی هم از نظر نگارنده در باب برخی اظهارات آمده است؛

دوم، این صورت‌بندی ارائه شده در شش رویکرد فلسفی، کلامی - الهیاتی، تمدنی، عرفانی، فقهی، تفسیری (روایی) و در آخر رویکرد جامعه‌شناسی دین (با تأکید بر دو مؤلفه خرافه و مناسک) و پس از یک کار نسبتاً سنگین منبع‌یابی (اعم از احصای یادداشت‌ها، مصاحبه‌ها و حتی برخی کتاب‌های منعکس‌کننده دیدگاه‌های حوزویان) ارائه شده است. طبیعی است که محقق دیگری با همین منابع، یک صورت‌بندی متفاوتی ارائه کند؛

سوم، منظور از حوزویان در این جا، همه حوزویان نیست. در واقع این صورت‌بندی ارائه شده منعکس‌کننده دیدگاه تمامی حوزویان نیست. برخی از روحانیت سنتی، ارتباط چندانی با فضای رسانه ندارند و یا این که اگر اظهار نظری هم در خصوص کرونا ویروس داشته‌اند، گاه در حلقه‌های خصوصی درسی و غیردرسی به ابراز نظر پرداخته‌اند. لذا صورت‌بندی حاضر، عمدتاً منعکس‌کننده بخش نواندیش حوزه است که ارتباط نسبتاً مداومی با فضای رسانه دارد؛

چهارم، بخش‌های مهم دیگری را نیز می‌شد مستقلاً به این صورت‌بندی افزود. به عنوان مثال مطالب متعددی طی این مدت در باب کرونا از منظر مناقشه علم و دین توسط برخی اساتید و محققان حوزوی مطرح گردید که

در کشور ما، طیف متنوعی از عالمان علوم طبیعی، علوم انسانی و دانش پزشکی درباره این ویروس و ابعاد آن مباحثی را مطرح کرده‌اند و کرونا از جمله باعث شد تا پرسش‌های مهمی در حوزه دین (اعم از پرسش‌های اعتقادی، اخلاقی و فقهی) مطرح شود. خیر یا شربودن کرونا، بلای طبیعی یا آسمانی بودن این پدیده، احکام فقهی دفن اموات کرونایی، کرونا و مسئله علم و دین، کرونا و باورهای اخلاقی و پرسش‌های فراوانی از این دست که هم در میان نخبگان و نیز در میان مردم (با شدت و ضعف) طرح شد، باعث گردید تا حوزه و روحانیت به عنوان متولی اصلی نهاد دین و مخاطب اصلی پرسش‌های یادشده، از منظرهای گوناگون به پاسخ‌گویی بپردازد.

در این مدت، شاهد واکنش‌های متفاوتی از حوزویان از منظرهای گوناگون کلامی، فقهی، فلسفی، الهیاتی، عرفانی و ... بودیم که در ادامه یک صورت‌بندی از آن تقدیم خوانندگان محترم خواهد شد. گرچه لازم است قبل از ورود به این صورت‌بندی، از باب ضرورت نکاتی چند اشاره شود:

اول، به دلیل آن که تاکنون، یک صورت‌بندی توصیفی جامع از مواجهه حوزه با کرونا ویروس ارائه نشده، لذا لازم دانستیم که بدون پررنگ کردن ابعاد تحلیلی و یا حتی انتقادی (طبیعی است که نگارنده برای برخی اظهارات حتماً بدون موضع نیست)، سعی در ارائه یک صورت‌بندی جامع از این مواجهه

ذیل رویکرد تمدنی و تحت عنوان دین و کرونا آمده است. یا مثلاً در مباحث الهیاتی طرح شده، می‌توان وجوه متعدد الهیاتی را (اعم از الهیات سلامت، الهیات رنج، الهیات شهری و ...) از هم تفکیک نمود. اما به جهت پرهیز از تعدد رویکردها و یا حتی ره‌یافت‌های درون یک رویکرد، سعی شد صورت‌بندی رویکردها با حداقل تعداد عناوین مستقل ارائه شود؛ پنجم، در هر رویکرد، افزون بر افرادی که آرای آن‌ها مورد اشاره قرار گرفته، دیدگاه‌های دیگری هم در میان حوزویان وجود داشته است که جهت پرهیز از تطویل کلام، به همه آن‌ها اشاره نشده است؛ گرچه سعی شده عمده دیدگاه‌های مهم و قابل اعتنا در هر رویکرد، مورد اشاره قرار بگیرد.

۱. رویکرد تمدنی

● کرونا و تحول در وضعیت‌های تمدنی

حبیب‌الله بابایی در راستای مصاف دو تمدن اسلام و غرب بر این عقیده است که تحت تأثیر تجربه کرونا زمینه‌ای فراهم شد که در بستر همین جریان ما به درک بهتری از خود و غرب دست یابیم. اما یک پرسش مهم در این میان به ذهن متبادر می‌شود و آن این که آیا این تجربه به خودی خود، مثبت است یا منفی؟

بابایی به این سؤال پاسخ مثبت می‌دهد از این جهت که کرونا را یکی از مراحل می‌داند که بسیاری را به توانایی‌ها و قابلیت‌های خودی و ناتوانی‌ها و نقایص غرب آگاه کرد.

اما یک نکته اساسی در مورد این تجربه از نظر بابایی وجود دارد و آن، ماهیت زمینه‌ای است که به یک معنا نوعی آزمون و مسابقه طبیعی و غیرمصنوعی میان ما و غرب در آن به وقوع پیوست. در واقع در این زمینه، به ویژه در مواجهه ابتدایی و اولیه، دست برتر با تمدن غرب بوده است. به این معنا که درک ما از غرب خصوصاً در مراحل ابتدایی آن، در زمینه‌ای اتفاق افتاده است که تجدد در آن، برتری قابل توجهی به ویژه از منظر تکنولوژیک و دانش فنی داشته است. تفوق غرب در این مواجهه ابتدایی و به تعبیر بابایی، درک نامتوازن از خود و غرب باعث شد ما بنده و غرب ارباب شود و همین مسئله هم باعث حرکت ما به سمت خودشناسی و غربی‌شناسی شد. این وضعیت عملاً به تخییر ما منتهی شد که خود به علت پایداری و نوعی خصلت طبیعی و ذاتی پیدا کردن این تفوق بود، که طی حداقل دو قرن تبعات جبران‌ناپذیری را برای ما به همراه داشت. حال آن که کرونا تا حدودی توانست این مسئله را به عکس کند. گرچه این تحول در این نگرش از انقلاب اسلامی ایران نیز آغاز شده بود.

● کرونا و معیار مرگ در تمدن‌ها

بابایی در یادداشتی با عنوان "کرونا و معیار مرگ در تمدن‌ها" به این نکته اشاره می‌کند که آنچه به بهانه کرونا در جهان مدرن رخ داده است، بازگشت مسئله مرگ به فلسفه‌ها، فرهنگ‌ها و تمدن‌هاست و هم‌اکنون

برای رؤیایپردازی ما درباره نامیرایی خودمان». این که ما به مثابه یک روبات سخن گو صرفاً آمار مرده‌ها را بشماریم و از آن به سهولت و سرعت عبور کنیم نشان از همین ترس از میرایی خود ما و نگرانی از واقعیت مرگ در آینده نزدیک ما دارد. اگر واقعیت مرگ را بهتر درک می‌کردیم و آن را در فرایند تمدنی خود سرکوب نمی‌کردیم امروز در سخن گفتن از مرگ انسان‌ها، انسانی‌تر عمل می‌کردیم. از سیاق عبارات بابایی در این یادداشت این گونه برمی‌آید که وی یکی از نقاط قوت تمدن اسلامی را رویارویی و مواجهه با مرگ می‌داند و این چیزی است که تمدن مدرن از آن گریزان است. وی شاید به همین دلیل کرونا را یک نقطه عطف در تاریخ تمدن مدرن غرب می‌داند؛ چه این که به تعبیر وی کرونا باعث بازگشت مسئله مرگ به فلسفه‌ها، فرهنگ‌ها و تمدن‌هاست.

به نظر می‌رسد که زندگی مردم ما به‌ویژه در برخی کلان‌شهرهای ایران، به دلیل شبهات‌هایی که در برخی جهات با زندگی مدرن غربی پیدا کرده، این حس تنهایی و تفرّد منفی دم مرگ، به بیماران کرونایی ما نیز (به‌ویژه با توجه به شرایط قرنطینه و مسری بودن این بیماری) وجود دارد و از این جهت بابایی به طلاب جهادی خدمات‌رسان به بیماران کرونایی این چنین توصیه می‌کند: هرچند امروز ورود طلبه‌های جهادی برای کارهای خدماتی بیماران به جای خود کاری است

گونه‌های مواجهه با مسئله مرگ، از جمله نقطه‌های عطف تمدن‌های موجود در چالش با کروناست.

ایشان در تأیید مدعای خویش گزاره‌های جالب و قابل تأملی به نقل از کتاب تنهایی دم مرگ نوشته نوربرت الیاس می‌آورد. الیاس در این کتاب بر وضعیت مرگ در عصر جدید اشاره می‌کند و تنهایی هنگام مرگ را بسیار آزردهنده می‌بیند و می‌گوید همان‌طور که افراد در دنیای جدید در عشق ورزیدن تنها هستند، به هنگام مرگ نیز در تنهایی به سر می‌برند. بیشتر مرگ‌های مدرن در بیمارستان و در تنهایی و در حالی ناخوشایند رخ می‌دهد، در حالی که در قدیم افراد در کنار خانواده جهان را ترک می‌گفتند، اعضای خانواده حرف‌های تسلی‌بخش به فرد محضر می‌زدند، فرد محضر هم اطرافیان خود را نصیحت و به آن‌ها وصیت می‌کرد.

وی در ادامه با این نکته اشاره می‌کند که نوربرت الیاس با تأکید بر ماهیت مرگ، به مسئله مرگ هراسی در جهان جدید هم اشاره می‌کند و می‌گوید: ما در وضعیت مدرن، دل‌مان نمی‌خواهد در مورد مرگ فکر کنیم و دل‌مان نمی‌خواهد افراد در حال مرگ را ببینیم و اساساً دل‌مان نمی‌خواهد در مورد گذشتگان و مرده‌ها و قبرهایشان فکر و ذکری داشته باشیم. وی به تلخی می‌گوید «ناتوانی ما در یاری افراد دم مرگ، چیزی نیست جز این که مرگ دیگری یادآور مرگ خود ماست. تماس بیش از اندازه با فرد دم مرگ تهدیدی است

یک نقشه است. یک توطئه پشت آن قرار دارد.

ایشان برای کرونا ابعاد مختلفی را قائل است. یکی از این ابعاد، جنبه‌های شناختی ویروس کروناست: "به نظرم یک جنبه شناختی دارد که در علوم شناختی باید مورد بررسی قرار گیرد. هراسی که در جامعه جهانی ایجاد کردند که می‌تواند چهارمیلیارد آدم را به قرنطینه ببرد؛ این می‌تواند یک طراحی بزرگ باشد. به خصوص توجه کنید که این هراس، وقتی به جامعه جهانی گسترش پیدا می‌کند و تبدیل به یک امر اثرگذار می‌شود که از ۳۰ بهمن ۹۸، اعلام می‌شود که از قم شناسایی شده است. پیداست که یک توطئه پشت این قضیه است که از ایران و از قم اعلام شود. به صورت یک بمب اطلاعاتی بازار بورس آمریکا و اروپا شروع به سقوط می‌کند. درحالی که قریب به چندماه قبل، از چین رخ داده بود، اما ارزش بورس اروپا و آمریکا سقوط نکرد. منحنی‌ها و آمارهای رسمی‌اش وجود دارد."

میرباقری در عین حال بر این باور است که اگر ما از طراحی‌های دشمن غافل بشویم ممکن است که این ویروس را به یک امری علیه ما تبدیل کنند. ولی اگر ما از طراحی‌های دشمن غافل نشویم و موضع‌گیری تمدنی بکنیم، حتماً ما پیروز خواهیم شد.

رییس فرهنگستان علوم به این نکته اشاره می‌کند که الآن هم که می‌خواهند بشریت را از دنیای مادی به فضای مجازی ببرند، یعنی

بس ارزشمند، اما رسالت طلبگی چیزی بیش از این اقتضا می‌کند. طلبه‌های جهادی و امدادگر پیش از آن که بخواهند یا بتوانند جای خدمات پرستاری را بگیرند، باید جای خود را در امور روانی و روحانی بیماران که بسیار هم خالی است، پر نمایند.

● کرونا و تغییر حوزه حکمرانی

میرباقری بر این عقیده است، که چنانچه کرونا، ویروسی «دست‌ساز باشد»، و نه طبیعی، تمدن غرب آن را برای تضعیف تمدن اسلام به پرچم‌داری جمهوری اسلامی، ساخته است. میرباقری با طرح این پرسش که "درحالی که کرونا به مراتب کم‌تر، تلفات روی دست بشر گذاشته، علت این همه ایجاد رعب و بزرگ‌نمایی کرونا چیست؟" به این نکته اشاره می‌کند که چه کرونا دست‌ساز بوده باشد چه خیر، غرب می‌خواهد با ایجاد یک قرنطینه چهارمیلیارد نفری به وسعت کل دنیا، بشر را وارد فاز جدیدی از حیات خود کند: «حیات مجازی». حیاتی که احساسات و تمام ابعاد زندگی بر محور «وهم» و خیال، مدیریت می‌شود. میرباقری معتقد است، که کرونا یک خطر بزرگی است، ولی پشت بزرگ‌نمایی بیش از حد آن یک توطئه نهفته است. این که چهارمیلیارد آدم را به قرنطینه می‌برند و این وحشت و رعب را در جامعه جهانی ایجاد می‌کنند، این یک امر طبیعی نیست. این

آیا ایجاد مرگ و میر آگاهانه و هدایت شده برای حذف طیف سنی خاصی از وبال گردن نظام سرمایه داری است؟ و ...

دوم، این که کرونا یک واقعه طبیعی است و از حیوان به انسان منتقل و اپیدمی جهانی شده است و چون از آن شناختی نداشتند در حال جولان دادن است. آثاری هم دارد که اجتناب ناپذیر است، اقتصاد لطمه می بیند، روابط لطمه می بیند و ...

پیروزمند در ادامه اشاره می کند که حتی فرض دوم را قرین به صحت بدانیم، همین که بشر قدرت ساخت و ویروس های ترکیبی را پیدا کرده، قابل تأمل است و از این قضیه چنین نتیجه می گیرد که: "بشریت به دلیل راه غلطی که تمدن غرب طی کرده، در معرض خطر و نابودی است؛ باید آن را احساس کرد و چاره ای اندیشید. برفرض که قضیه کرونا تعمدی نباشد اما نشان می دهد که امنیت بسیار شکننده است و اگر قرار باشد این فناوری به دست انسان های سفاک، بی اخلاق و بی عقلی باشد که فعلاً حکومت جهانی را به دست دارند، آینده ای بدتر در پیش است." پیروزمند در عین هشدار می گوید که نسبت به خطرهای احتمالی ناشی از استمرار مدیریت انسان های نالایق در عرصه حکمرانی جهانی می دهد، بر این باور است که کرونا ظرفیت جدیدی برای عبور از پیچ تاریخی ایجاد کرده است و از این رهگذر می توان برای مقابله فرهنگی با تمدن مادی و سهم خواهی نسبت به حاکمیت معنویت کمک گرفت.

یک بار بشریت را در محبس و زندان دنیا بردند و ارتباط او را با عالم غیب قطع کردند، و دیگر بار می خواهند او را به سیاه چال فضای مجازی ببرند. موفق نخواهند شد، یعنی جامعه ایمانی این امر را نخواهند پذیرفت و آنان شکست خواهند خورد.

● **کرونا، پیچ تاریخی و تغییر حکمرانی جهانی**
علیرضا پیروزمند تحلیلی از رویارویی تمدنی عقلانیت مادی و عقلانیت توحیدی در بحران کرونا ارائه می دهد و به پنج بحران بزرگ تمدن غرب اشاره می کند. وی این پنج بحران را شامل: بحران بی هویتی، بحران بی عدالتی، بحران فقدان امنیت، بحران گسترش ابتذال و فساد اخلاقی و در آخر بحران دروغ بودن آزادی وعده داده شده در تفکر لیبرالیسم است که در مجموع بحران های درونی تمدن غرب را تشکیل می دهد. افزون بر این که از نظر او، بزرگ ترین عامل بحران بیرونی غرب هم انقلاب اسلامی ایران است. از نظر پیروزمند غرب تلاش زیادی به خرج داد تا انقلاب اسلامی را مهار کند اما نتوانست.

ایشان بر این عقیده اند که در قضیه کرونا دو رویکرد اصلی وجود دارد:

اول، این که کرونا دست ساز بشر است که در این رویکرد قرائت های گوناگونی داریم، که عبارت اند از:

آیا این کار برای به زانو درآوردن چین است؟

آیا با هدف حاکمیت بخشی به فضای مجازی است؟

در صورت غیر عمد ضامن کلیه خسارات وارده و اگر موجب فوت شده ضمان دیه برعهده اوست و اگر خودش نیز فوت کند، ضمانت شرعی به عهده او باقی است و متعلق به ترکه او می‌گردد و وارثان متوفا بایستی از محل ترکه وی خسارات را ادا نمایند تا ذمه متوفا بری گردد.

وی هم چنین به حکم مربوط به انجام اعمال مستحبی نظیر حضور در مجامع چنین می‌آورد:

"انجام اعمال مستحبی نظیر حضور در مجامع چنانچه به نظر کارشناسان بهداشتی با احتمال عقلایی سرایت بیماری مواجه باشد، نه تنها از استحباب برخوردار نیست، بلکه با حرمت جدی و اکید روبه‌رو خواهد بود؛ بنابراین به رغم استحباب مؤکد و فضیلت نماز جماعت و عبادت در مشاهد مشرفه هرگاه حسب نظر کارشناسان بهداشت احتمال عقلایی باشد که حضور در این اماکن مقدس سبب ضرر به خود یا اضرار به دیگران می‌شود نه تنها مستحب نیست، بلکه در برخی فروع عبادت مورد نهی شارع قرار می‌گیرد و بنابر نظر بسیاری از فقیهان بزرگ باطل و اعاده یا قضای آن واجب می‌گردد."

کرونا و فقه؛ فرصت‌ها و چالش‌ها (از جهانی‌سازی فقه تا مناظرات اندیشی)
حجة الاسلام احمد مبلغی در «وبینار کرونا و فقه اسلامی» به این نکته اشاره می‌کند که دو فرصت و دو چالش مهم به واسطه کرونا برای فقه به وجود آمده است:

پیروزمند چهار جریان احتمالی را در شرایط پسا کرونا برمی‌شمارد: یک، حرکت جهان به سمت توقیت ملی‌گرایی؛ دو، حرکت به سمت جهانی‌سازی؛ سه، حرکت بشر به سوی جهانی‌سازی معتدل؛ چهار، شکل‌گیری جهانی‌سازی توحیدی. در آخر به این نکته اشاره می‌کند که باید برای تحقق سناریوی چهارم تلاش کرد.

۲. رویکرد فقهی

● فقه کرونا؛ ضمان و مسئولیت مدنی

آیه الله محقق داماد بر این باور است که "دیگری‌شناسی" در قواعد مربوط به مبحث ضمانات قهریه در فقه اسلامی، بسیار عقلایی و پیشرفته است و این احکام ناظر به حرمت نهادن به حیات آدمی اعم از خود و دیگران و نیز احترام به کرامت و آسایش دیگران است. وی با استناد به این قواعد، چند نمونه از احکام مربوط را به مخاطب می‌شناساند از جمله به این نکته مهم اشاره می‌دارد، که: "چنانچه شخصی بداند و یا شخصاً و یا از طریق اخطار کارشناسان مربوط احتمال عقلایی بدهد که حضور و یا شرکت در جلسه‌ای و یا ملاقات با فرد و یا افرادی موجب اضرار به آن‌ها می‌گردد، شرعاً واجب است که مطلقاً اجتناب کند و در صورت تخلف چنانچه ثابت شود که تماس او موجب اضرار شده و بیماری وی سرایت به دیگران کرده، در فرض اقدام عمدی موجب مسئولیت کیفری و ضامن کلیه خسارات وارده به زیان دیده خواهد بود و

تاریخ جهان، به ماقبل کرونا و مابعد کرونا تقسیم و برآثر این فاجعه انسانی و این حادثه تلخ، جهان، دگرگون خواهد شد، در عین حال از منظری فقهی به این نکته اشاره می‌کند که "واقعه کرونا چه بسا از جنس جنگ بیولوژیک قلمداد شود. به همین جهت به جای مباحث اصول فقه‌السیاسه و هم‌چنین فقه‌القضا و نیز خارج اصول و هم‌چنین فلسفه اصول مبحث فقه مهندسی ژنتیک و جنگ بیولوژیک را اجمالاً باید طرح کرد و پیرامون آن اندیشید.

● معیار وجود، خوف و ضرر

ابوالقاسم علیدوست رییس انجمن فقه حوزه علمیه نیز با اشاره به این که امروزه ماندن در خانه، تکلیف شرعی و ملی است، اشاره می‌کند به این که معیار مدت زمان لازم برای ماندن در قرنطینه، زمان خاصی نیست، بلکه بسته به خوف و ضرر است: شاید برخی چنین تصور داشته باشند که حالا مدتی صبوری کردیم و کفایت می‌کند، این افراد چنین تصور دارند که زمان در حل مسئله تأثیرگذار است، درحالی که یک ماه، چهل روز و دو ماه معیار نیست، معیار وجود، خوف و ضرر است، ممکن است این خوف و ضرر تا شش ماه هم به طول بینجامد و ممکنه در مدت اندکی پایان یابد، اما متخصصان معتقدند مردم هرچقدر بیشتر تحمل کنند، زودتر این زنجیر انتقال تأثیر و تأثر تمام می‌شود، از این جهت باید صبر کرد.

● حفظ جان انسان؛ در رأس احکام فقهی

محمد جواد فاضل لنکرانی نیز از زاویه

وی درخصوص این دو چالش می‌گوید: «چالش‌های به وجود آمده برای فقه، متوجه تجربه فقهی و میراث فقهی و نگرش برخی از علمای فقیه است. البته از نظر ایشان، این چالش‌ها نه متوجه شریعت است و نه متوجه جان مایه‌ها و اصالت‌های فقهی و نهایتاً این که این چالش‌ها می‌تواند زمینه را برای تکامل تجربه فقهی ما فراهم کند. این دو چالش مشخصاً عبارتند از:

اول، برآمدن و آشکارشدن نیاز جامعه به پاسخ‌های دینی فراتر از پاسخ‌های صرفاً فقهی (جامعه کرونازده به یک پاسخ‌های جامع‌الاطراف و فراتر از پاسخ‌های فقهی و صرفاً فقهی نیاز دارد)؛

دوم، نیاز جامعه به پاسخ‌های فوری و به‌هنگام و نه پاسخ‌های بطئی و کند.

ایشان به دو فرصت ایجاد شده توسط کرونا برای فقه اسلامی اشاره می‌کند:

"اول، انتقال ذهنیت و تجربه فقهی به فضاها و مسائل کلان جهانی و انسانی؛

دوم، امکان‌یابی فقه برای پرداختن آزادانه‌تر، دقیق‌تر و مناط‌محور به جنبه‌های آیینی و مراسمی. درحقیقت باید از این دو فرصت باعنوان "جهانی‌اندیشی فقه" و "مناط‌اندیشی فقه" یاد کرد.

علی‌اکبر رشاد، یکی دیگر از کسانی است که با رویکرد فقهی با کرونا مواجه شده است. ایشان ضمن این که واقعه کرونا را یک بحث مفصل تقسیم تاریخ می‌داند و برآن است که جهان در شرف یک چرخش تاریخی است. لذا

که اگر ما نگاه الهیاتی به سلامت انسان‌ها داشته باشیم ممکن است با مرزبندی میان انسان‌ها مواجه شویم؛ یعنی قطعاً افرادی که مؤمن شناخته می‌شوند سلامت آنان مهم‌تر از سلامت کسانی تلقی می‌شود که به الهیات باور ندارند و در واقع سلامت گروه دوم ارزشی ندارد. "در حالی که در الهیات اسلامی سلامت، چنین نگاهی پذیرفته نیست.

نگاه غلط پیش گفته باعث شده تا به تعبیر سروش محلاتی، برخی رویکرد مثبتی به الهیات سلامت ندارند، ولی متون اسلامی نشان می‌دهد که اسلام برای همه انسان‌ها ارزش قائل است.

● کرونا؛ اسلام و الهیات شرّ

برخی از محققان حوزوی که از پایگاه و رویکرد الهیاتی به مسئله کرونا پرداخته‌اند، نقطه عزیمت بحث خود را از معناداری یا عدم معناداری کرونا آغاز کرده‌اند. به عنوان مثال، حمیدرضا شاکرین این پرسش را طرح می‌کند که: "آیا حادثه کرونا پدیده‌ای معنادار است یا بی‌معنا؟ و اگر معنادار است، معنای آن چیست و در کدام نظام اندیشگی و الهیاتی می‌توان معنای آن را دریافت؟"

وی در پاسخ این چنین اشاره دارد که: «در نگرش مادی نمی‌توان برای آن معنایی یافت. در واقع این پدیده‌ای کروکور، تصادفی و فاقد هرگونه حساب‌شده‌گی و حکمت است. در نگاه‌های الهیاتی پانته ایستی، دئیستی، پویشی و لیبرال هم وضع بهتر از این نیست.» ایشان اما وضعیت الهیات اسلامی و

فقهی و از دریچه حفظ جان انسان‌ها به بحث کرونا پرداخته است. ایشان بر این باور است: "فقه شیعه به حدی مستحکم است که در رأس واضح احکام فقه شیعه وجود حفظ جان انسان قرار دارد. تمام این عباداتی که برای خداوند انجام می‌دهیم اگر مزاحمت با حفظ جان انسان داشته باشد این یک امر بسیار واضح در فقه و اصول ماست که در مسئله تراحم حفظ جان مقدمه بر این‌هاست. نه تنها مقدم است در برخی از موارد فقها تصریح کرده‌اند کسی که روزه یا نماز برای او ضرر داشته باشد روزه گرفتن یا نماز خواندن بر او حرام است. ضوابط فقهی ما از جهت مراجعه، اعتماد و از نظر لزوم عمل به دستوره‌های پزشکان بسیار روشن است." شاهد مثال این که امام خمینی علیه السلام در برخی فتاوا فرمودند: اگر کسی در زمستان بخواهد برای گرفتن وضو به حیاط برود و با آب سرد وضو بگیرد و سردی آب برای پوست او ضرر داشته باشد فرمودند که قاعده لاجرح در آن جا جریان پیدا می‌کند و وضو را برطرف می‌کند.

۳. رویکرد الهیاتی - کلامی

● جهان‌شمولی سلامت در الهیات اسلامی سروش محلاتی بر این عقیده است، که یکی از ویژگی‌های الهیات سلامت آن است که نظر فراگیر به همه انسان‌ها دارد و برای عافیت و سلامت همه انسان‌ها ارزش قائل است. وی اضافه می‌کند که "گاه پنداشته می‌شود

این دست مسائل انسانی دارد، اما در آن جا خدا مغفول است و از مفاهیم کتاب و سنت کمک گرفته نمی‌شود.^۱

● الهیات ریزوماتیک شهری و فضای ارتباطی کرونا

الهیات شهری و اکاوی و بازخوانی رشدمند متون مقدس با نگاه شهری و خوانش شهر با نگاه الهیاتی است. در الهیات شهری که نوعی الهیات فضاومکان است، به دنبال تحقق و عینیت یافتن ایمان، امید، رستگاری، نجات، احسان، رهایی، عدالت و آزادی در متن زندگی شهری هستیم.^۲

در الهیات شهری، دورویکرد عمده مطرح است که خود برگرفته از استعاره تفکر درختی و تفکر ریزوماتیک در اندیشه دلوز است:

الف) رویکرد عمودی و درختی؛

ب) رویکرد افقی و ارتباطی یا ریزوماتیک.

علی‌الهی خراسانی یکی از محققان حوزوی، از منظر الهیات شهری ریزوماتیک به تأثیر بحران کرونا بر زیست انسانی پرداخته است و ماهیت ارتباطی و تکثرگرایانه این نوع الهیات را این‌گونه برمی‌شمارد: «الهیات شهری ریزوماتیک با درهم‌تنیدگی فضایی مکانی حرکت می‌کند و در پی ایجاد اتصال و پیوستن به شبکه‌های ارتباطی است. این رویکرد در الهیات شهری با حرکت افقی و بین‌رشته‌ای، نهادگریز و غیرمتمرکز و تمایل به موقعیت‌های دینی سیال و روان دارد.

الهیات شهری ریزوماتیک به دنبال فضاهای عمومی پست سکولار در شهر است و

توحیدی به این پرسش را در مواجهه با این پرسش به چهار دلیل متفاوت‌تر می‌بیند: «اما در نگره توحیدی وضعیت بسیار متفاوت است، که در این نگاه آن‌ها را برمی‌شماریم: اول، همه چیز در این عالم حکیمانه است؛ دوم، شرّ محض یا گزافی وجود ندارد و آنچه شرّ خوانده می‌شود محفوف به خیرات کثیر است که بایستی شناخته شود و از آن‌ها به درستی بهره‌برداری نمود؛ سوم، آنچه شرّ می‌خوانیم غالباً با رفتارهای ما پیوند دارد؛ چهارم، در نظام سنت‌های الهی وجوه و ابعاد مختلفی از این مسئله به دست می‌آید که به این مسئله معانی مختلفی داده و درس‌ها و پیامدهای سازنده‌ای به بشریت ارائه می‌کند.»

● کرونا و الهیات وجودی

علیرضا قائمی‌نیا، پرداختن به الهیات انتزاعی محض (نظیر بحث توحید، نبوت و ...) را گرچه در پرداخت مبانی ضروری می‌داند منتها اتکای صرف به آن را به خصوص در مواجهه با پدیده‌ها و مسائل انسانی نظیر کرونا، نابسند می‌داند و به همان جهت بر الهیات وجودی تأکید می‌کند.

الهیات وجودی از نظر وی «راهی است که ما را با مسائل انسانی مواجه می‌کند و از آن شکل انتزاعی محض خارج می‌کند. انسان در رنج، در تنهایی، در ناامیدی و در مسائلی مانند کرونا چه وضعی دارد؟ این‌ها در الهیات وجودی مورد بحث قرار می‌گیرد». البته الهیات آگزیستانسیالیستی هم ورود به

اول، استغاثه جهانی به سمت خدا که در سراسر دنیا شاهدیم؛

دوم، نگاه به منجی عالم است، که می‌توان فهم بهتر در جهت زیست زندگی مؤمنانه مهدوی ایجاد کرد.^۶

البته ایشان این روند را باثبات نمی‌داند و معتقد است چنان که قرآن هم در سوره عنکبوت (آیه ۶۵) اشاره دارد، وقتی انسان از طوفان دریا نجات یابد و پایش به خشکی برسد دوباره به سمت شرک می‌رود.

۴. رویکرد فلسفی عرفانی

● **کرونا و سفر درونی؛ رویکردی عرفانی به مسئله کرونا و ویروس**

سیدسلیمان صفوی از منظری عرفانی به ویروس کرونا پرداخته است. وی به عنوان مقدمه به این نکته اشاره می‌کند که تعالی و قوت روح (که در عرفان به ویژه عرفان عملی بسیار مورد تأکید است)، مدرسان انسان در کنترل و مدیریت درد و امراض جسمانی است.^۷ وی اظهار می‌دارد که در عالم ناسوت، جسم و روح درهم تنیده و با هم دیگر تعامل دارند. یک روح متوکل به خدای تعالی در مواجهه با اضطراب و استرس ناشی از ویروس کرونا، با حفظ آرامش به راحتی تسلیم نمی‌شود.^۸ وی در نکته‌ای جالب به این مسئله اشاره می‌کند که روح آن‌گاه که فریه شود با سفر درونی، ابتلای به بیماری کرونا را کاهش می‌دهد: "به نظر می‌رسد دیواره الهیات شهری درخت‌واره و نهادی در کرونا تَرَک خورد و

در حوزه عمومی (هاپرماس) فعالیت می‌کند. این الهیات شهری، گفت‌وگویی، تکثرگرا و مشارکت‌جو با سازمان‌های ایمان‌نهاد مردمی است.^۳

رویکرد درخت‌واره به الهیات شهری در عین این که یک رویکرد فضایی مکانی است در عین حال، یک رویکرد نهادی هم محسوب می‌شود. تجربه حضور مردم در اماکن مقدسه و مشارکت چهره‌به‌چهره مردم در نهاد خیر، از جمله دلالت‌های نهادی بودن این رویکرد الهیاتی است.^۴

با سربرآوردن بحران کرونا، «به‌نظر می‌رسد دیواره الهیات شهری درخت‌واره و نهادی در کرونا تَرَک خورد و در مقابل، الهیات شهری ریزوماتیک جلوه بیشتری یافت و خلاقیت‌های ارتباطی بروز پیدا کرد. کرونا وابستگی به نظم ساختاری الهیاتی در شهر را دچار خدشه و چالش کرد و ایمان، نجات و رهایی را در ارتباطات غیرمتمرکز و تکثرگرا نشانده و هویت ایمانی در شهر از قلمروی محکم و غیرمنعطف نهادی فراتر رفت و در ارتباط روبه‌جلو با «دیگری» هویدا شد.»^۵

موعود اندیشی و پساکرونا

کرونا، نگرشی از دریچه الهیات امید

غلامرضا بهروزی‌لک، جهان پساکرونا را از منظر الهیات مهدوی و موعوداندیشی مورد توجه قرار داده و براین باور است که هم‌اکنون در وضعیت کرونایی دو کلان‌روند در حال شکل‌گیری است:

که پیوند آدمی با خود و خدای خود سست شود و چنان که گفته شده دوری از خداوند هم باعث سختی معیشت و هم واجد عقاب اخروی می‌شود. از طرفی خداوند راه ترمیم رابطه خود با بندگان را نیز باز گذاشته است. یکی از این راه‌ها همان توبه است که یکی از مقامات مهم در عرفان اسلامی به ویژه عرفان عملی است: "برای ریشه‌کن ساختن این بلای عظیم و رنج آور باید سفری به صحرای درون خویش داشته باشیم. با یاد گناهان خویش و با دلی شکسته به درگاه خدایم و در پیشگاهش عاجزانه و متضرعانه ناله زنیم که از گناهان ما درگذر؛ بر سجاده نیاز بنشینیم و بر گذشته خویش زار زار بگرییم تا خدا به مهرش نظری بر ما بیندازد و گناهان ما را ببخشد و این مصیبت را از ما دور سازد."^{۱۳}

۵. رویکرد جامعه‌شناسی دین (با تأکید بر دو

مفهوم مناسک و خرافه)

● کرونا و مقوله دین داری

برخی بر این باورند که اساساً نسبت میان "رنج و ربیماری" با "گرایشات دینی" اساساً مثبت است و این تهدیدها و دل‌نگرانی‌ها هستند که بستر روی آوری انسان‌ها به عوالم دیگر و عوامل ماوراءالطبیعی می‌شده است. علیرضا شجاعی‌زند، بر این باور است که حتی اگر این نسبت را علی و ایجاد می‌دانیم؛ اما یک نسبت ایجابی میان‌شان برقرار است، به همین رو مشاهده می‌شود افرادی هم که توجهات دینی بارزی ندارند،

در مقابل، الهیات شهری ریزوماتیک جلوه بیشتری یافت و خلاقیت‌های ارتباطی بروز پیدا کرد. کرونا وابستگی به نظم ساختاری الهیاتی در شهر را دچار خدشه و چالش کرد و ایمان، نجات و رهایی را در ارتباطات غیرمتمرکز و تکثرگرا نشانده و هویت ایمانی در شهر از قلمروی محکم و غیرمنعطف نهادی فراتر رفت و در ارتباط روبه‌جلو با «دیگری» هویدا شد.^{۱۴}

ایشان هم‌چنین از لحاظ معرفت‌شناسی، معرفت‌شناسی مدرن را ناپسندیده می‌داند و این ناپسندگی به واسطه کرونا بیشتر قابل درک است. وی این‌چنین توضیح می‌دهد: "انسان امروز در مواجهه با بحران جهانی ویروس کرونا، از منظر معرفت‌شناسی درمی‌یابد که حتی قادر به دیدن همه ابعاد همه امور دنیوی نیست، چه رسد به شناخت همه امور جهان غیب و شهادت! ممکن است برخی نوابغ متوجه بحران شده باشند؛ نظیر بیل گیتس مؤسس مایکروسافت، اما گفتمان غالب قدرت، مایل به شنیدن این واقعیت نبود."^{۱۵}

● کرونا و مقام توبه

علی‌فضل‌ی، که از منظر عرفان به بحث کرونا پرداخته است و از نظری، در فرهنگ دینی و عرفانی، ریشه همه مصیبت‌ها گناه است که از روی عمد و یا سهل‌انگاری از ما سرزده است.^{۱۶} این به این معناست که آنچه ما درو می‌کنیم، حاصل چیزی است که کاشته‌ایم. همین گناه هم باعث می‌شود

نزدیک‌تر می‌شویم. این واقعیتِ گریزناپذیر و بلاشکِ مرگ است که انسان مدرن به نوعی آن را نادیده گرفته و به فراموش سپرده و یا سعی بلیغی دارد که آن را نادیده بینگارد.^{۱۳}

ایشان علت روی آوردن به دین‌داری را این‌گونه تبیین می‌کند: "یکی از علل روشن‌اش قطع زنجیره عادی زندگی است و آنچه به عادت و روال تبدیل شده است. می‌دانید که شرایط یک‌دست و روندهای متعارف و تکراری در زندگی اساساً موجب غفلت از ابعاد دیگر وجودی و عرصه‌های دیگر حیات می‌شوند و این قبیل تکانه‌ها و قرارگرفتن در موقعیت‌های خطیر بعضاً باعث عطف توجه به نیازها و ظرفیت‌های مغفول‌مانده انسان می‌گردند. این درباره همه انسان‌ها کمابیش صدق می‌کند؛ اما در افراد با دین‌داری‌های خفیف‌تر به مراتب بیشتر است.

در چنین شرایطی نوعاً شاهد روآوری‌های غیرمترقبه و خارج از چارچوب از سوی افرادی هستیم که کمتر درگیری و دغدغه دینی داشته‌اند. چرا؟ چون اینان کسانی‌اند که در زندگی‌شان کمتر پیش آمده که به واقعیتی به اسم مرگ فکر کنند. یکی از خصوصیات عمومی دنیای فوق مدرن غربی همین غفلت از پرسش‌های وجودی است و از جمله غفلت از واقعیتی به اسم مرگ که در کنار زندگی است و بلکه در درون آن حضور دارد.

شایان توجه این‌که با هر نفسی که ممدّ حیات است و مفرّج ذات، یک گام به مرگ

وی معتقد است، کرونا هم بر دین‌داری انسان مدرن بی‌توجه به دین، تأثیر می‌گذارد و هم بر دین‌داری دین‌داران. اما به دو گونه تأثیر در این باره قائل است، که درباره تفاوت تأثیرات دین‌داری دین‌داران و غیر دین‌داران نکات جالبی اشاره می‌کند: "کرونا باعث بروز دو اتفاق در زندگی، خصوصاً زندگی مدرن شده و آن تشدید تنهایی و فراغت است. انسان مدرنی که به‌نحو غالب دچار عارضه تنهایی است؛ اکنون به دلیل دستورالعمل فاصله‌گذاری اجتماعی بر تنهایی‌اش افزوده شده و به دلیل توقف فعالیت‌های یومیه‌اش، بر زمان فراغت‌ش نیز اضافه شده است. این فراغت اگر در شرایط دیگری روی می‌داد که انسان‌ها با اضطراب و محدودیت‌های کنونی مواجه نبودند، حتماً ماهیت و سمت و سویی دیگری پیدا می‌کرد. ماهیتی از جنس بی‌خبری و بی‌خیالی و سرخوشی‌های بیشتر. اما چون که خیلی نمی‌شود به پارک و رستوران رفت و به سفر و تفریحات دیگر پرداخت؛ ناخواسته فرصت و بستری را فراهم آورده برای پاسخ‌دادن به آن توجهات دینی و معنوی متروک مانده.

قصه در باب دین‌داران و کسانی که دغدغه‌ها و درگیری‌های دینی‌شان پیش از این هم برقرار بوده، البته قدری متفاوت است.

این هم برقرار بوده، البته قدری متفاوت است.

بدان اشاره می‌کند، این است که همواره هسته اسلام سنتی توسط علما بر مراسمات و آیین‌های نوپدید اشراف داشته و انحرافات آن‌ها را کنترل کرده است و چنین نیست که مناسک نوپدید، ارتباطی با دین‌داری عالمان نداشته باشند.^{۱۶}

پارسانیا بر این باور است، که حتی در شرایط تقیه نیز این ارتباط قطع نشده است، یعنی در شرایط تقیه هم علی‌رغم از دست‌رس خارج شدن مناسک مورد قبول دین، باز هم امکان حفظ دین وجود دارد و این تحلیل تنها در صورتی پذیرفته می‌شود که دین و دین‌داری نباید صرفاً به لایه و ظاهر مناسکی دین کاسته شود.^{۱۷}

● کرونا، دین و خرافه

در این مدت کروناایی برخی رفتارهای سطحی نظیر لب‌سیدن ضریح توسط چند نفر معدود انجام گرفت، که بهانه‌ای شد تا اصل حقیقت شفاذهی اولیای خدا و تقدیس زیارت‌گاه‌ها، زیر سؤال برده شود.

سوزنچی در نقد چنین دیدگاهی بر تمایز جدی میان خرافه پرستی و انکار حقیقت تأکید دارد: "از اشتباهات بزرگ این است که به خاطر سوءاستفاده از یک امر حق، به مقابله با اصل آن اقدام شود. هر حقیقتی زمینه سوءاستفاده دارد؛ نباید به خاطر این سوءاستفاده‌ها خود آن حقیقت را زیر سؤال برد. مثلاً قرآن کریم حاوی بالاترین حقایق است؛ آیا چون امثال معاویه از آن سوءاستفاده می‌کردند، باید خود قرآن را کنار بگذاریم؟!"^{۱۸} و بر این باور است

ایشان خیلی نیاز به این تلنگرها برای اعتنا پیدا کردن به دین و معنویت نداشته‌اند؛ در عین حال همه آن عناصر پیش‌گفته بر ایشان نیز اثرگذار بوده است. مثل تنبه پیدا کردن نسبت به نزدیکی مرگ و به دست آوردن فرصت و خلوت بیشتر؛ لذا برای ایشان هم به نوعی چراغ دین و دین‌داری در این ایام روشن‌تر شده است.^{۱۴}

● کرونا، مناسک و دین‌داری باطنی

تعلیق برخی مناسک در ایام کرونا، گاه این ذهنیت را ایجاد کرده که خود دین‌داری هم به حالت تعلیق درآمده و یا این که به محاق رفته و یا دست کم با اقبال کم جامعه مواجه شده است. این رویکرد به دلیل غفلت از ابعاد باطنی دین به نظر می‌رسد و متوقف ماندن در نوعی ظاهرگرایی محسوب می‌شود.

حمید پارسانیا بر این عقیده است، که نباید دین‌داری به سویه مناسک و آیین‌های بیرونی آن فروکاسته شود. بلکه نسبت آن با باطن دین‌داری هم باید دیده شود.^{۱۵} ایشان حتی به زایش این باطن باور دارد و آن را مولد و موجد آیین‌ها و فعالیت‌های نوین اجتماعی مبتنی بر دین به ویژه در همین ایام کروناایی می‌داند؛ چنان که دفاع مقدس را نمونه بارزی از کنش‌های گسترده دین‌دارانه به مثابه مناسک برآمده از باطن دین‌داری می‌داند.

نکته دیگری که وی در خصوص آیین‌ها و مناسک نوپدید (به ویژه آن‌هایی که لزوماً برآمده از متن و باطن دین‌داری نیستند)

که این دست رفتارها نباید بهانه‌ای شود تا ما اصل مقدس بودن زیارت‌گاه‌های اولیای خدا را و یا شفافیتن انسان‌ها با عنایت اولیاءالله را انکار کنیم.

ایشان بر مقدس بودن اماکن دینی تأکید می‌ورزد و آن را با محترم بودن متفاوت می‌داند و در توضیح آن اشاره دارد: "آیا آرامگاه‌ها صرفاً چون ساختمان‌اند مقدس نیستند. خوب، کعبه هم یک ساختمان است؛ همه مساجد هم ساختمان‌اند! به علاوه، فرق «محترم» و «مقدس» بودن در چیست؟ اگر به خاطر ساختمان بودن مقدس نیستند، محترم هم نیستند! مقدس و محترم بودن یک مکان به خاطر نسبتی است که با یک امر مقدس و محترم برقرار می‌کند؛ همان‌گونه که مساجد، کلیساها، کنیسه‌ها به خاطر نسبتی که با خداوند برقرار می‌کنند (محل عبادت خداوندند) مقدس می‌شوند (تقدس و احترام سایر اماکن دینی هم در اسلام مورد تأکید بوده است؛ حج، آیه ۴۰)، مکان‌هایی هم که نسبتی واضح با اولیای خدا برقرار می‌کنند، محترم و مقدس می‌شوند.

آری، تفاوت محترم و مقدس در این است که امر مقدس حتماً وجهه دینی و الهی دارد؛ ولی چیزی که محترم است، اما مقدس نیست، وجهه الهی و دینی ندارد و فقط در عرف روابط انسانی ارزش‌مند است، مانند ساختمان سفارت هر کشور در کشور دیگر، مادام که روابط حسنه‌ای بین دو کشور برقرار است) که فقط محترم است، نه مقدس.^{۱۹}

● کرونا و اعتدال در مناسک گرای

حسن بوسلیکی، کرونا را فرصتی برای اعتدال در مناسک‌گرایی می‌داند. از سیاق عبارات وی در این خصوص این چنین برمی‌آید که او چندان با رویه مناسکی فعلی در جامعه چندان هم‌دل نیست؛ به همین دلیل کاربرد دعای انفرادی را (که به واسطه کرونا زمینه آن بیشتر فراهم شده است)، گاه بیش از دعای دسته‌جمعی می‌داند.^{۲۰}

وی اصل روحیه جمع‌گرایی را مثبت می‌داند اما آفت آن را همین مراسم‌گرایی می‌داند. و این رویکرد را نقد و ضمن آن، تعریف متفاوتی از دعاکردن مطرح می‌کند: "این روحیه (جمع‌گرایی) در عین این که خیلی خوب و سرمایه اجتماعی است، در عرصه مذهبی آفت مراسم‌گرایی را به دنبال دارد؛ ادعیه مهم مانند کمیل، آداب شب احیا، ندبه و عاشورا و حتی اعتکاف را مراسم جمعی کرده‌ایم و گاهی حضور در این مراسم‌ها فارغ از خواندن الفاظ دعا ممکن است برخی را ارضا کند.

ادعیه نوعی ارتباط ماورائی شخصی و درونی انسان با خداوند است؛ ممکن است کسی حتی در حین این که در خیابان عبور می‌کند، در یک لحظه با نهایت توجه قلبی متوجه خدا شود و با او سخن بگوید؛ این هم مناجات است و مناجات و دعا صرفاً خواندن ادعیه طولانی چندین صفحه‌ای و چندساعته در یک جمع عمومی نیست.^{۲۱}

ایشان ضمن اذعان به این که بیان لفظ و

تغییردادن واژگان «وبا و طاعون» به «کرون» منتشر کرده باشد.^{۲۳}

محمدجواد فاضل لنکرانی، از جمله اولین کسانی بود که به این حدیث واکنش نشان داد. وی این حدیث را ساختگی دانست و گفت: از این کتاب با چنین نامی تاکنون دیده نشده و حتی در فهرست کتابخانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام نامی از این کتاب و مؤلف وجود ندارد و به هیچ وجه نمی‌توان چنین حدیثی را به حضرت نسبت داد.

روشن است که این عبارات ساختگی است. وی هم‌چنین بر این باور است که کسانی که با عبارات نهج‌البلاغه آشنایی دارند، می‌دانند که بیان این همه خصوصیات که تماماً هم‌درحال وقوع است، دأب و روش حضرت علی علیه السلام نبوده است.

مصطفی عباسی نیز حدیث مذکور را جعلی می‌داند و بر سه نکته در این باره تأکید می‌کند: "الف) در هیچ‌یک از مجامع روایی نه شیعه و نه اهل سنت، نه متقدم و نه متأخر، هرگز حدیثی با چنین مضامینی نیامده است. حتی عالمان شیعی به خاطر اهمیت بسیار ویژه مسئله مهدویت، تمام اهتمام خود را صرف کردند تا همه اخبار و احادیث مربوط به حوادث و اتفاقات آخرالزمان را در قالب ملاحم و فتن جمع‌آوری و حفظ کنند، اما در چنین کتاب‌هایی نیز ما هرگز مضامینی شبیه به متن یادشده نمی‌یابیم؛ ب) در تراجم علما و معاجم رجالی، اصلاً شخصیتی به نام ابوعلی دبیزی وجود ندارد،

محتوای ادعیه در حد اعجاز است، به پرهیز از برخورد قشری و ظاهری با الفاظ توجه می‌دهد، از همین زاویه به فرصت ایجاد شده توسط کرونا اشاره می‌کند: "کرونا فرصتی به ما داده تا دعا را فارغ از مراسم و مناسک‌گرایی انجام دهیم؛ بدون تعارف ما از اصالت‌گرایی در به‌کاربردن ادعیه به‌خاطر جمع‌گرایی دور افتاده‌ایم و این روزها که مجبوریم در خانه بمانیم فرصت مناسبی برای آن است که دعاکردن انفرادی را دنبال کنیم که ممکن است کاربرد آن برای زندگی ما خیلی بیشتر از دعاهای دسته‌جمعی و مراسمی باشد؛ این روزها فرصتی است تا آچارکشی مجددی در بحث دعاخوانی مراسمی داشته باشیم و تعادل ایجاد کنیم."^{۲۴}

۶. رویکرد تفسیری روایی

● حدیث کرون و نشانه‌شناسی کرونا!

در ابتدای ورود ویروس کرونا به کشور، یک حدیث به سرعت در فضای مجازی منتشر شد و ادعا شده بود که امام علی علیه السلام هزارواندی سال پیش وقوع این ویروس را پیش‌بینی کرده است و چنین فرموده‌اند که: «قرون و قرون و قرون، یحتاج الدنيا کورون». منبع این حدیث نیز کتاب «عظائم الدهور لابی علی دبیزی، ۵۶ هجریة» معرفی شده است و به نظر می‌رسد، هم‌زمان با شیوع ویروس کرونا برخی سایت‌های عربی و توسط یک نام جعلی این متن که در برخی کتاب‌های فاقد اعتبار و ارزش علمی یافت شده است را با

بلکه شخصیتی ساختگی و موهوم است؛ (ج) در معاجم کتاب‌شناسی هرگز کتابی با عنوان «عظائم الدهور» توسط هیچ مؤلفی نوشته نشده است.^{۲۴} کرونا و مرگ سفید؛ رویکردی نشانه‌شناسانه در برخی روایات، از جمله در روایتی که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده و در کتاب کمال‌الدین مرحوم شیخ صدوق (جلد دوم، صفحه ۳۵۵) آمده است، به وقوع مرگ سفید به عنوان یکی از نشانه‌های ظهور اشاره شده است.

در این روایت، سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود: «قبل از قیام قائم (علیه السلام)، دو نوع مرگ و میر رخ می‌دهد؛ مرگ سرخ و مرگ سپید. تا این که از هر هفت نفر، پنج نفرشان از بین بروند. مرگ سرخ با شمشیر و مرگ سفید با طاعون است.» پرسشی که در این جا مطرح می‌شود این است که آیا مرگ سفید همان کروناست یا خیر؟

پاسخ ابراهیم شفیعی سروستانی به این سؤال منفی است. وی به این نکته اشاره می‌کند که در دوره‌های قبل هم مشابه این بیماری با تلفات فراوان در ایران و جهان اتفاق افتاده است و امروز با این پدیده مواجه هستیم و ممکن است در ادوار دیگر نیز این نوع بیماری‌ها در جهان اتفاق بیفتد و تلفات بیشتری بگیرد.^{۲۵}

بلای جدید، معلول معصیت جدید؛

حدیثی از امام رضا (علیه السلام)

حیدری کاشانی با نقل حدیثی از امام رضا (علیه السلام) که اشاره می‌کند در رابطه با بلاهای جدید، وقتی بندگان گناهی را انجام می‌دهند و آن گناه شایع می‌شود در میان مردمی که پیش از آن مرتکب نمی‌شدند (یعنی مرتکب گناهان جدیدی شده‌اند که نسل‌های قبل مرتکب نشده‌اند)، خداوند متعال یک بیماری و یک ابتلای جدید را وارد عرصه زندگی بشر می‌کند.

وی اشاره دارد، در میان شاخصه‌های ویروس کرونا، مواردی است که هنوز ابعاد آن کاملاً شناخته نشده است. با تمام ادعایی که بشر در پیشرفت پزشکی دارد از سرعت این ویروس جا مانده است. و می‌افزاید برای رفع این بیماری باید ببینیم که چه خط قرمزهایی را رد کرده‌ایم که چنین بیماری دامن‌گیر ما شده است؟

حیدری کاشانی برای رفع این بیماری بر این باور است که چنانچه در ادعیه هم آمده: «اللهم اغفر لی الذنوب التي تغیر النعم» از همه گناهانی که نعمت عافیت، اجتماعات، روابط سالم و ... انسانی را تغییر می‌دهند، باید اجتناب کنیم.^{۲۶}

● کرونا و تطبیق آیات؛ نگره‌ای تفسیری

معمولاً در هنگامه بحران‌ها در یک جامعه دینی، میزان تمایل به تطبیق آیات و روایات بر برخی جزئیات حادث شده در آن بحران افزایش قابل توجهی می‌یابد. این که این تطبیق‌ها به چه میزان به صواب نزدیک است و یا چه کسی توانایی تشخیص صائب

رویکرد فلسفی

● کرونا و عقلانیت خود بنیاد

هایدگر در نقدی که بر عقلانیت دکارتی دارد، بر این باور است که این نوع عقلانیت که کاملاً سوپژکتیو است، تبعات ویرانگری داشته و دارد. وی از لوازم این عقلانیت را جدایی سوژه و ابژه می‌داند. از نظر هایدگر همین نگاه باعث شده تا بشر آن اتحاد و تلاثمی را که میان سوژه و ابژه در فلسفه کلاسیک برقرار بوده از بین برود.

رهاورد چنین نگاهی در اندیشه هایدگر، ابژه شدن طبیعت و در نتیجه استیلای بشر بر طبیعت و محیط زیست و چنگ انداختن به صورت آن است.

عبدالحسین خسروپناه، از جمله افرادی است که بحران کرونا را از منظر فلسفی و با رویکرد نقد عقلانیت خود بنیاد تحلیل کرده است. وی بر این باور است که کرونا چهار بحران را ایجاد کرده است:

بحران معنا را در رابطه با خود؛

بحران بندگی را در رابطه با خدا؛

بحران زیست محیطی را در رابطه با طبیعت ؛

و در آخر بحران روابط اجتماعی را در رابطه انسان با انسان.

وی بر این باور است، که عقلانیت خود بنیاد بشری عامل کروناست. ایشان معتقد است، این عقلانیت خود بنیاد و سکولار سبب شده تا ویروسی مانند کرونا این همه مشکل ایجاد

بودن یا نبودن این تطبیق‌ها را دارد و نیز این که قواعد و اصول درست و مناسب جهت این گونه تطبیق‌ها چگونه تعیین می‌شوند، فی نفسه از اهمیت بالایی برخوردار است. در بحران کرونا، علاوه بر برخی روایات، بعضی آیات قرآن نیز دست‌مایه تطبیقاتی از این دست شد. به عنوان مثال برخی عبارت «تَسْعَةَ عَشْرًا» در سوره مدثر را به ویروس کووید ۱۹ تطبیق دادند.

محمد حاج ابوالقاسم بر این عقیده است، که تفسیر قرآن، شرایط و ضوابطی دارد و افرادی که قرآن را تفسیر می‌کنند باید یک سری قوانین و احکامی را رعایت کنند و آن مطالبی که به قرآن نسبت می‌دهند براساس فهم و تفسیر کلام باشد که اگر مفسر این ضوابط را رعایت نکند، تفسیر به‌رأی کرده است.^{۲۷}

وی در این خصوص به نقل حدیثی از امام صادق علیه السلام درباره مذمت چنین تفاسیری اشاره می‌کند:

«مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ إِنْ أَصَابَ لَمْ يُوجَرْ وَإِنْ أَخْطَأَ فَهُوَ أَبْعَدُ مِنَ السَّمَاءِ»؛

کسی که قرآن را به‌رأی و نظر خویش تفسیر کند، اگر درست و مطابق با واقع باشد، اجر و پاداشی برایش نیست و اگر خطا برود، هر آینه (از مرز و حق و حقیقت) بیشتر از فاصله آسمان‌ها از یک‌دیگر، دور شده است.

ایشان بر این باور است، که عدد نوزده که در آیه آمده مربوط به تعداد نگهبانان دوزخ اشاره دارد و هیچ ارتباطی با کرونا ندارد.

کند، گرچه خود این ویروس هم به علت تصرف بی رویه انسان مدرن بر طبیعت ایجاد شده است.

● کرونا و فلسفه سیاسی؛ تجدید نظر در مفهوم امنیت

نجف لکزایی از جمله محققانی است که از موضع فلسفه سیاسی به ویژه از منظره فلسفه امنیت به بحران کرونا توجه کرده است. وی بر این باور است، که کرونا از جمله عوامل تسهیل کننده ورود نظریه های امنیت به موج سوم این نظریه هاست.

از نگاه ایشان، موج اول مطالعات امنیتی از بعد از جنگ جهانی دوم به راه افتاد که نظریه های ایده آلیستی و رئالیستی در این باب مطرح شد. محور در امنیت در موج اول، امنیت نظامی است. از آن جا که امنیت جوامع و کشورها از ناحیه قدرت نظامی سایر کشورها مورد آسیب قرار می گرفت؛ مسابقات تسلیحاتی شکل می گیرد و این مسابقات تسلیحاتی تا چند دهه ادامه پیدا می کند و تمرکز کشورها بر گسترش ارتش و تسلیحات می شود. سپس اتفاقاتی می افتد که امنیت از تعریف محدود امنیت نظامی جدا و نظریه های جدید امنیت شکل می گیرد.^{۲۸}

در موج اول پیمان ورشو با محوریت شوروی و ناتو (سازمان آتلانتیک شمالی) با محوریت آمریکا شکل گرفت. با فروپاشی شوروی، پیمان ورشو نیز فرو پاشید، ولی ناتو در خودش انعطاف ایجاد کرد و در موج دوم از بحث تهدیدات نظامی رویکرد خود را عوض

کرد و فضای جدیدی مثل: اسلام هراسی، مباحث نرم، فرهنگی، حقوق بشر، تروریسم و ... برای خود تعریف کرد.

عملیات های بالکان در دهه ۹۰ و عملیات هایی که در ماجرای لیبی و آنچه که در حادثه ۱۱ سپتامبر انجام دادند باعث مشروعیتی برای ناتو در موج دوم امنیت شد. ناتو برای ماندگاری اش، طرح امنیت موشع را تعریف و پی گیری کرد.^{۲۹}

وی بر این باور است که بحران کرونا نابسندگی موج دوم، نظریه های امنیت را در عمل نشان داد، که در موج سوم امنیت با شروع کرونا آن را شاهدیم که هم امنیت مضیق، که هدف را به سوی امنیت نظامی می برد، و هم امنیت موسع، که در همان پنج بُعد حرکت می کند، همه ناقص هستند. لذا دولت ها مجبورند در مفهوم امنیت تجدید نظر کنند و مقولات متعددی را در بحث امنیت وارد کنند.^{۳۰}

لکزایی به مفهوم امنیت متعالیه به عنوان الگوی بدیل در موج سوم مطالعات امنیت توجه می دهد و آن را واجد ظرفیت هایی لازم برای تدوین یک نظریه امنیتی جامع با توجه به جهان پسا کرونا می داند. وی در این خصوص، ایده گذار از امنیت دنیاگرایانه به سمت امنیت متعالیه را پیشنهاد می دهد: "در موج سوم چاره ای نداریم و باید از امنیت دنیاگرایانه عبور کنیم و به امنیت متعالی برسیم. در امنیت متعالی نیروی فریب، شهرت، شهوت، حقه و کنار گذاشته می شود

- و به مقوله ایمان و ارتباط با خدا و استعانت از خدا و هم‌گرایی و می‌رسند، و از این طریق هم خودشان به امنیت می‌رسند و هم برای دیگران ایجاد امنیت می‌کنند. در این مرحله با حفظ بهداشت و جنبه‌های فردی، امنیت خانواده و جامعه را به وجود می‌آورند.^{۳۱}
- لذا فلسفه سیاسی اسلامی و حکمت متعالیه ظرفیت خوبی دارد که موج جدید امنیت و یا همان موج سوم امنیت را شکل دهد، به وجود آورد و گسترش دهد.^{۳۲}
- از مجموع آنچه اشاره شد، چنین به نظر می‌رسد که سطح حوزه و روحانیت در تحلیل بحران کرونا (به ویژه بخش نواندیش حوزه) به پختگی و بلوغ قابل توجهی دست پیدا کرده است، گرچه شایسته است اهتمام بیشتری توسط حوزه و روحانیت جهت پرداخت جدی تر به ابعاد انضمامی این بحران جهت کشف زوایای ناگشوده آن مصروف گردد.
- پی‌نوشت:**
- * دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش جامعه‌شناسی سیاسی.
۱. همان.
 ۲. ir.soaresaal.ir یادداشتی از علی الهی خراسانی.
 ۳. همان.
 ۴. همان.
 ۵. همان.
۶. www.iqna.ir.
 ۷. www.irna.ir.
 ۸. همان.
 ۹. همان.
 ۱۰. همان.
 ۱۱. www.yjc.ir.
 ۱۲. همان.
 ۱۳. www.mehrnews.ir.
 ۱۴. همان.
 ۱۵. www.Hawzahnews.com.
 ۱۶. همان.
 ۱۷. همان.
 ۱۸. www.ijtihadnet.ir.
 ۱۹. همان.
 ۲۰. www.Isca.ac.ir.
 ۲۱. همان.
 ۲۲. همان.
 ۲۳. www.imna.ir.
 ۲۴. www.mashreghnews.ir.
 ۲۵. www.hawzahnews.com.
 ۲۶. قدس آنلاین.
 ۲۷. www.tasnimnews.com.
 ۲۸. خبرگزاری مهر.
 ۲۹. همان.
 ۳۰. همان.
 ۳۱. همان.
 ۳۲. همان.